

## ۱۱ دی ماه روز تجدید

### پیمان با شهدای سازمان را

### گرامی می‌داریم!

راه کارگر امسال نیز همچون ۱۶ سال گذشته ۱۱ دی را به عنوان سالگرد شهدای سازمان گرامی می‌دارد. در چنین روزی رفیق علیرضا شکوهی اولین دبیر اول سازمان ما با دم فرو بستن بر تمام اسرار سازمانی که به حیات سازمان و جان بسیاری از رفقای ما بستگی داشت، با دفاع از اعتقاداتش در پیدادگاه‌های جمهوری اسلامی، با فریاد زنده باد آزادی و زنده باد سوسیالیسم، هم‌چون یکی از بی‌شمار مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم دلیرانه در مقابل جوخه‌های رژیم آزادی‌کش به خاک افتاد.

بزرگداشت این روز برای سازمان ما یادمانی برای گرامیداشت شهدای راه کارگر و تمامی شهدای راه آزادی و سوسیالیسم و نیز گرامیداشت همه آن‌هایی که به خاطر اعتقاداتشان به دست جمهوری اسلامی کشته شدند، می‌باشد. شهدایی که با ایمان به آزادی و سوسیالیسم، با وفاداری به راه خوشبختی و سعادت بشری از جان خود دریغ نوردیدند.

آن‌ان در سیاه‌ترین روزهای حکومت شکنجه و زندان جمهوری اسلامی، آن‌جا که گیلانی‌ها و لاجوردی‌ها و رهبران جمهوری اسلامی مست از باده پیروزی، سلطه خود را در تاریکی و سکوت محض پایدار می‌دیدند و مخالفان خود را در پشت درهای بسته، زیر شکنجه‌های وحشیانه نادم معرفی می‌کردند، همچون همه فریادهایی که در طول مبارزات بشری سکوت شب را شکسته و خواب جلادان را آشفته می‌سازند، با عشق بی‌کران به زندگی و با مقاومت تا پای جان همچون ستاره‌ای در دل تاریکی درخشیدند و بارقه‌های امید را در دل‌ها پایدار داشتند. که شکنجه و مرگ رفتنی است و دیوار شب شکستی است.

حماسه مقاومت آن‌ان از طریق مادران و همسران، خواهران و برادران و از لای درهای بسته و دیوارهای سنگی زندان‌ها به بیرون درز می‌کرد و مردم در زیر نگاه گزرمه‌ها و نگهبانان شب در نجاوای خود آن‌ها را نقل می‌کردند و با ابراز ممدلی و همدردی با خانواده شهدا، مبارزه برای آزادی را پاس می‌داشتند.

امروز دیگر مردم با ابعاد میلیونی در دوم خرداد، برانگیخته از حکومت ارتجاع رأی اعتراضی خود را به ولایت فقیه این خط‌الرأس ظلمت و جهل اعلام داشته و در ۱۸ تیر به عیان و آشکار ضربه خردکننده خود را به تمامی حکومت اسلامی وارد کرده‌اند. اینک این دانشجویان و مردم گارد به استخوان رسیده هستند که بقیه در صفحه ۲

## هزاره امید

### سارا محمود

از بی‌حقی آغاز کنیم: راست است که هزار سال پیش در همه اجتماعات بشری فقط یک نفر صاحب حق محسوب می‌شد، شاه، امیر، سلطان که مشروعیت‌اش را از آسمان می‌گرفت و دیگران هم بی‌حق بودند و بنده سلطان. امروز با این‌که پذیرفته شده است که همه افراد انسان صاحب حقند و برابر زائیده می‌شوند، اما قدرت واقعی به صاحبان شرکت‌های چندملیتی انتقال پیدا کرده که دولت و قدرت و مقامات سیاسی ابزار و اسباب آن‌ها هستند و در سیستم جهان‌گیری که ایجاد کرده‌اند دیگر نه فقط فرد بلکه جوامع و ملت‌ها هم بی‌حق مطلق و فاقد اختیار بشمار می‌آیند. در این سیستم جهان‌گیر شده، آن‌ها آدم و حشره و درنده و گیاه در خاک را می‌چاپند. کلمه زشت تسلیم را «اجتناب‌ناپذیر» معنا می‌کنند و مقاومت در برابر این غارت هولناک را گنج‌سری حماقت‌آمیز در برابر اجتناب‌ناپذیرها. هرگز تاریخ بشر شاهد تمرکز چنین قدرت مهبیی در دست عده‌ای چنین معدود نبوده است.

به هزاره سوم میلادی گام نهاده‌ایم. برای ما سوسیالیست‌ها لحظه تحول به سالی نو، قری نو و هزاره‌ای نو، لحظه گذر از گذشته به آینده، لحظه امید است. در این گونه لحظات است که لحظه‌ای درنگ می‌کنیم و هم آرزو می‌کنیم و هم عهد می‌بندیم که بی‌حقی و پیداد را در گذشته دفن کنیم و در ساختن آینده‌ای شرکت کنیم که در آن «اجتماعی از افراد پدید آید که در آن تکامل هر فرد شرط تکامل آزادانه همگان باشد». پس برای ما که خوشبختی آحاد انسانی در جامعه‌ای همبسته را هدف قرار داده‌ایم وظیفه است نه میل که در این لحظه‌های امید به شکاف‌ها- به ما و آن‌ها- فکر کنیم. ما اکثریت عظیم مردم جهان که در دوام بی‌حقی و پیداد نفعی نداریم، و آن‌ها اقلیتی که برای دفاع از منافع خود پاسدار سیستمی هستند که به بی‌حقی و بی‌داد در پایان هزاره سوم میلادی ابعادی داده است که نه فقط در هزاره پیشین بلکه در طول تاریخ بشر بی‌سابقه بوده است.

### شورش مردم بخش چهاردانگه از توابع اسلام‌شهر در صفحه ۲

## اعتراض سراسری کارگری علیه سازمان تأمین اجتماعی

### یوسف آبخون

برنامه تظاهرات و تحصن اعتراضی سراسری کارگری، که قرار بود در روز یکشنبه ۲۸ آذر ۷۸- ۱۹ دسامبر ۹۹ در مقابل اداره‌های سازمان تأمین اجتماعی و دفاتر خانه کارگر در شهرهای مختلف کشور صورت بگیرد، با تصمیم وزارت کشور غیرقانونی اعلام شد. اما علی‌رغم دستور وزارت کشور و عقب‌نشینی کانون عالی شوراهای اسلامی کار، اعتراضات کارگری در شهرهای مختلف از جمله در تهران و قم برگزار گردید. این حرکت سراسری کارگری اگرچه قرار بود به فراخوان کانون عالی شوراهای اسلامی کار صورت بگیرد، اما از چند جنبه حائز اهمیت است.

## کارگران و زحمت‌کشان

در صفحه ۴

## روسیه در دوران گذار

### ارژنگ بامشاد

کناره‌گیری بوریس یلتسین از مقام ریاست جمهوری روسیه در روز ۳۱ دسامبر ۹۹- ۱۰ دی ۷۸ را باید نتیجه‌ی منطقی پیروزی بزرگ احزاب طرفدار او و اولیگارش‌های مالی روسیه در انتخابات ۱۹ دسامبر ۹۹- ۲۸ آذرماه ۷۸ دانست. آرای غیرمترقبه‌ی حزب «وحدت» به رهبری وزیر امور اضطراری سرگنی شوینگو (۲۳.۸۸ درصد) و حزب «اتحاد راست‌گرایان روسیه» به رهبری کری‌ینکو نخست‌وزیر اسبق (۸.۶۳)، نشان داد که بورژوازی نوپای روسیه چگونه توانسته است از امکانات مالی و رسانه‌ای استفاده کرده و با بهره‌برداری سیاسی و ناسیونالیستی از جنگ چچن، مردم را فریب داده و آرای آن‌ها را بدست آورد. هر چند حزب کمونیست توانست با کسب (۲۴.۵۵ درصد) آرا ۲ درصد بر آرای خود بیافزاید و هم‌چنان در صدر قرارگیرد و حزب لیبرال متمایل به چپ «جبهه میهن-سراسر روسیه» ۱۱.۶۷ درصد آرا را از آن بقیه در صفحه ۲

## دنباله از صفحه ۱ هزاره امید

**به بیداد بپردازیم:** جمعیت جهان در آغاز هزاره دوم میلادی ۳۰۰ میلیون نفر بود. بی شک اکثریت عظیمی از آن جمعیت گرسنه بودند. اما امروز ۸۰۰ میلیون از جمعیت جهان در حال گرسنگی دائم و فقر غذایی بسر می‌برند و هر ساله ۳۰ میلیون نفر از گرسنگی می‌میرند و این در حالی است که مواد غذایی اساسی به کمک تکنولوژی پیشرفته ۱۵ درصد بیش از حد نیاز موجود تولید می‌شود و این مازاد برای ثابت نگه داشتن قیمت‌ها دور ریخته می‌شود.

سرمایه‌داری در دو قرن هزاره‌ای که پشت سر گذاشتیم سه انقلاب تکنولوژیک را هدایت کرد و این انقلاب آخر انقلاب در صنعت ارتباطات و اطلاعات آحاد بشر را در سراسر کره زمین بهم پیوند داده است. انسان‌ها که روزی تنها با معدودی هم‌کار روی زمین ارباب، یا تجارت‌خانه بالای منزل مسکونی خود، یا کارگاهی کوچک کار می‌کردند اکنون در مشغله روزانه خود با هزارها هم‌کار در سراسر جهان پیوند یافته‌اند. ۱۰ هزار نسل طول کشید تا گروه‌های انسانی از موطن طبیعی خود حرکت کرده و سراسر زمین را در سطح کنونی مسکونی کنند. امروز انسان در دهکده جهانی بسر می‌برد. این همه می‌توانست در خدمت تحقق آرزوی انسانی ما برای ایجاد جامعه همیسته

## دنباله از صفحه ۱ اادی ماه روز تجدید پیمان.....

در خیابان‌ها فریاد فروخته خود را، فریاد سعید سلطانپورها، نسرین نیک‌سرشت‌ها، علیرضا شکوهی‌ها، نسترن اخلاقی‌ها، جعفر پوینده‌ها و همه آن‌ها که در سیاه‌چال‌ها زیر شکنجه‌های قرون وسطایی آدم‌کشان رژیم اسلامی فریاد آزادی سر دادند را به بانگ رسا تکرار می‌کنند: **لحظه به لحظه گویم، زیر شکنجه گویم، یا مرگ یا آزادی، آزادی اندیشه، همیشه، همیشه.**

این بار چنان دیوار سکوت و سیاهی شب شکسته و روشنایی چنان جنایات رژیم را برملا کرده که حتی موسوی اردبیلی‌ها و صاعنی‌ها نیز از ترس فریاد خود نمایش طرفداری از آزادی می‌دهند.

این بار دیوار سکوت شب ترک برداشته و نوری از امید و زندگی بر دل‌های مردم زحمتکش و ستمدیده ما تابیده که بی‌شک با ادامه مبارزه‌ای که آغاز شده، با مرگ جمهوری اسلامی این نور در سراسر ایران پرتو خواهد افکند. نوری که پایان تباہی، پایان شکنجه و زندان و پایان اعدام را بشارت خواهد داد. نوری که نوید بهروزی، نوید زندگی، نوید آزادی و عدالت و نوید هر آن چه خوب و زیباست را خواهد داد! پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان است!

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم! مرگ بر جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران  
(راه کارگر)

مشکل از افراد آزاد باشد. اما سرمایه‌داری تکامل تولید و تاریخ را از مسیر اشک و خون پیش برد. بزرگترین مهاجرت تاریخی در دو قرن اخیر نه از سر تفحص و تجسس و تلاش برای ارتقاء سطح زندگی بلکه در جریان تجارت برده و انتقال میلیون‌ها آفریقایی به آمریکا روی داد، و سرمایه‌داری هر چه پیش می‌رود رکورد جدیدی از توانایی خود برای آمیختن دستاوردهای بشر با جنایت بجای می‌گذارد.

انقلاب تکنولوژی مولدیت کار را چنان افزوده است که برای مقایسه داده‌های آغاز و انتهای هزاره معیار نمی‌توان بدست آورد، اما سرمایه‌داری اکنون در اوج انقلاب اطلاعاتی، بیش از همه آن را در خدمت بیکارسازی توده‌ای می‌گیرد. اگر ۵۰ میلیون بیکار در اروپا مراکز شهری را در پایان هزاره به "حاشیه" تبدیل می‌کند، در جهان "دیگر" یک میلیارد بیکار رسمی، فلاکت، گرسنگی و جهنم آفریده است.

سرمایه‌داری از انقلاب تکنولوژی در "صنعت جنگ" هنر آفریده است: در جنگ‌های جراحی می‌توان نجات‌بخش، اما به تعداد دل‌خواه از اردوی مردم بیگناه کشت. در آخرین مرحله تکامل نظامی که سرمایه‌داری در پایان هزاره دوم ساخته است، منشور حقوق شهروندان غیرنظامی در جریان جنگ به داستان باطلی تبدیل شده است. پس اگر در جنگ جهانی اول ۹۰ درصد قربانیان از نظامیان بودند، اکنون ۹۰ درصد قربانیان را مردم غیرنظامی تشکیل می‌دهند.

**و آن چه سرمایه‌داری بر سر خانه بشر و محیط‌زیست او آورده است:** سایه وحشت را بر سر نسل‌های آتی می‌گسترده. تنها در دو سال پایانی هزاره، طوفان‌ها و سیلاب‌هایی که در نتیجه پدیده گرمخانه‌ای و انهدام زمین‌ها و جنگل‌ها قدرت تخریبی غیرقابل تصور یافته‌اند، نزدیک ۵۰ هزار قربانی گرفته است و این در مقابل خطراتی که نسل‌های آینده را تهدید می‌کند هنوز چیزی نیست.

در نظامی چنین هراس‌انگیز، وقتی که تنها یک ششم جمعیت جهان انسان محسوب می‌شوند و در جوامعی زندگی می‌کنند که حداقل‌های انسانی را داراست و بقیه یعنی بیش از ۸۰ درصد در جهنم رها شده‌اند، پدید آمدن حکومت‌های ضدبشری چون جمهوری اسلامی اعجاب‌انگیز نیست، و اعجاب‌انگیز نیست که چنین حکومتی، در متن توحش جهانی بخود اجازه دهد خود را والی مردم بخواند و درست هنگام تحول تاریخ به هزاره سوم اعلام کند کودک ۱۷ ساله‌ای را بر سر جرثقیل به‌دار خواهد کشید.

تأمل در این لحظه تحول و نگاه دقیق به وضع موجود و کاستی‌های آن و رنج‌های جامعه بشری ما را در برابر چالش‌های بزرگ قرار می‌دهد. بشر، اکثریت بشر بنام ذات سازنده

تلاش‌گر خود حاضر نیست به منطق سرمایه‌داری گوش فرا دهد و بپذیرد که تسلیم اجتناب‌ناپذیر است. سی‌ام نوامبر امسال جنبش اعتراضی عظیم در مقابل یکی از مقتدرترین نهادهای سرمایه‌داری در سیاتل سند دیگری از این حقیقت را بدست داد.

بشری که طی هزاره‌ها از میان اشک و خون خود را به جلو کشیده و حقوق بشر و برابری همه انسان‌ها را به اندیشه‌ای مقاومت‌ناپذیر در پایان قرن ۲۰ تبدیل کرد. در قرن ۲۱ راه خود را برای ایجاد اجتماعی از افراد که در آن تکامل آزادانه هر فرد شرط تکامل آزادانه همگان باشد ادامه خواهد داد. ما سوسیالیست‌های قرن ۲۰ که از آزادی و برابری انسان و چه بسا با پا نهادن بر سر جان خود دفاع کرده‌ایم، شاید فرسوده باشیم، حتماً اشتباهات بسیار کرده‌ایم، و شاید از آن‌چه باید می‌بودیم بسیار عقب افتاده باشیم، اما جنبش جان‌دار و مقاومت در برابر پلیدی‌های سرمایه‌داری، که در همه جهان جریان دارد و در سیاتل چهره باشکوهی از خود نشان داد، پروژه برابری و آزادی، پروژه سوسیالیسم، نیروی حیات‌بخش خود را از دل جامعه پوینده می‌گیرد و همین است که هزاره سوم میلادی را به هزاره امید تبدیل می‌کند.

## شورش مردم بخش چهاردانگه از توابع اسلام‌شهر

گروه کثیری از مردم بخش چهاردانگه از توابع شهرستان اسلام‌شهر عصر روز دوشنبه ۱۳دی ماه ۷۸ در اعتراض به الحاق نشدن این بخش به شهر تهران و عدم رسیدگی به مشکلات عدیده‌شان دست به تظاهرات زدند و به مدت چهار ساعت جاده اصلی تهران-ساره را مسدود کردند. آتش زدن لاستیک و پرتاب سنگ و چوب به مقابله پرداختند و شیشه‌های چندین اداره و از جمله شهرداری را در هم شکستند و چندین اتوبوس شرکت واحد را به آتش کشیدند. تظاهرات مردم که در جاده اصلی شهر انجام گرفته بود پس از چهار ساعت پایان یافت. اهالی بخش چهاردانگه از توابع شهرستان اسلام‌شهر پیش از این برای روشن شدن حريم جغرافیایی این شهرستان با شهرداری‌های مناطق ۱۸ و ۱۹ طوماری خطاب به مقامات مسئول امضاء کرده بودند. مراجعات مکرر مردم به فرمانداری و استانداری و دیگر مقامات تاکنون بدون نتیجه مانده بود. اما پس از شورش گسترده اهالی این بخش، شورای تأمین شهرستان تشکیل جلسه داده و برخی از مسئولان به میان مردم رفتند و نماینده‌ای نیز از سوی استانداری تعیین کردند تا هرچه سریع‌تر به مسائل و مشکلات مردم رسیدگی شود. مردم چهاردانگه بدلیل ناروشتی حريم جغرافیایی این بخش برای دریافت مجوز ساخت و ساز از شهرداری با مشکلات عدیده‌ای روبرویند و از امکاناتی چون گاز، تلفن و خدماتی رفاهی محرومند. بخش چهاردانگه با ۲۰۰ هزار نفر جمعیت در ۱۰ کیلومتری اسلام‌شهر قرار دارد.

خود کرد، اما با نرسیدن آرای احزاب متحد حزب کمونیست به ۵۵ درصد، توازن نیرو در پارلمان روسیه تغییر کرده است. تغییر توازن نیرو در پارلمان روسیه و تغییر روانشناسی مردم بدنبال تبلیغات جنگ چچن، شرایط بسیار مساعدی برای انتخاب ولادیمیر پوتین، کاندیدای بوژوازی هار روسیه برای پست ریاست جمهوری فراهم آورده است. اما حفظ این فضای مساعد برای مدت پنج ماه تا ۴ ژوئن ۲۰۰۰ کار دشواری می‌نماید. همین محاسبه بود که بوریس یلتسین را واداشت برای تضمین پیروزی ولادیمیر پوتین از مقام خود کناره‌گیری کند تا انتخابات ریاست جمهوری در ماه مارس برگزار شود و احتمال پیروزی او را بیشتر کند. زیرا حفظ فضای ناسیونالیستی ناشی از جنگ بیرحمانه علیه مردم چچن، هم راه با عوام فریبی گسترده‌ای که از سوی سیاستمداران و رسانه‌های همگانی وابسته به کرملین و بوژوازی روسیه صورت می‌گیرد، شانس دیگر کاندیداها را به حداقل خواهد رساند. استعفای بوریس یلتسین از مقام ریاست جمهوری روسیه، بحث گسترده‌ای را در باره او و مافیای خانوادگی‌اش دامن زده است. بسیاری از تحلیل‌گران، وضعیت اسف‌بار روسیه و سقوط این کشور در همه‌ی عرصه‌ها را ناشی از سیاست‌های باند یلتسین می‌دانند. اما واقعیت این است که بوریس یلتسین بیش آن‌که طراح و عامل سیاست‌های ویران‌گر در مورد اقتصاد و دیگر عرصه‌های زندگی مردم روسیه باشد، مجری سیاست‌های بوژوازی نوپای این کشور بود. آن‌چه در روسیه جریان دارد، نتیجه‌ی گزیرناپذیر گذار از یک اقتصاد متمرکز دولتی-که در آن از سرمایه‌داران خصوصی خبری نبود- به یک سرمایه‌داری واقعی و شناخته شده است. روندی که در روسیه جریان دارد، روندی است که باید سرمایه‌خصوصی به عنوان شکل "مدرن" مالکیت خصوصی و بنیاد بهره‌کشی معاصر شکل بگیرد. سرمایه‌داری روسیه دارد مرحله «انباشت اولیه سرمایه» را از سر می‌گذراند. مرحله‌ای که دو مشخصه اصلی دارد، جمع شدن بخش بزرگی از ثروت در دست عده‌ی محدودی از صاحبان ثروت که از طریق آن بتوان بخش اصلی وسایل تولید را در کنترل درآورد و محروم شدن بخش اعظم مردم از وسایل تولید و ناگزیر شدنشان به فروش نیروی کار که بدون آن نمی‌توانند گذران زندگی کنند. این روند دوگانه هم‌اکنون در روسیه جریان دارد و بوریس یلتسین نیز روح پلید همین روند بوده و هست و با کنار رفتن او تغییری در این روند پدید نخواهد آمد. ولادیمیر پوتین نیز برای حفظ و تعمیق این روند به میانه‌ی میدان اعزام شده است. برای نشان دادن این روند اشاره به آماری که در مقاله «مسکو نویدانه در جستجوی یک راه حل»

از لوموند دیپلماتیک (دسامبر ۹۹) آمده است بسیار گویاست: «حتی خوشبین‌ترین‌ها در سیاست روسیه می‌پذیرند که ۵۰۰ بزرگترین شرکت صنعتی روسیه که خصوصی شده‌اند، مجموعاً حدود ۲۰۰ میلیارد دلار ارزش دارند، در حالی که همه‌ی آن‌ها به ۷۰۲ میلیارد دلار فروخته شده‌اند یعنی به ۳۰۶ درصد ارزش واقعی‌شان! و نیز کارگران روسیه قبل از "اصلاحات" یلتسین دستمزدی دریافت می‌کردند که ۲۵ درصد دستمزد افراد مشابه آن‌ها در غرب بود، بعد از اصلاحات یلتسین در سال ۱۹۹۵ این نسبت به ۵ درصد سقوط کرد و در اگوست ۱۹۹۸ فقط به ۱۰۵ درصد رسیده است». این ارقام عمق فاجعه‌ای که بازار آزاد و سرمایه‌داری بر سر مردم روسیه آورده و می‌آورد را نشان می‌دهد.

اما آیا آن‌چه در روسیه می‌گذرد امری است مربوط به روس‌هاست آن‌طور که رسانه‌های غربی و سیاستمداران کشورهای امپریالیستی مدام از آن سخن می‌گویند؟ پاسخ به این سؤال منفی است. روندی که در روسیه جریان دارد و کشوری را به نابودی کشانده و مردم آن‌را به روز سیاه نشانده است، روندی است که از سوی بانک‌جهانی و صندوق جهانی پول به دولت‌های روسیه دیکته شده و می‌شود. بنیادهای مالی بین‌المللی مدام بر روسیه فشار می‌آورند تا این روند را با شدت و حدت بیشتری به پیش برند. اقدامات بوریس یلتسین در برکناری چهار نخست‌وزیر در ظرف دو سال، برای آن صورت می‌گرفت تا فردی سکان هدایت دولت را به دست گیرد که به بهترین نحو بتواند سیاست‌های دیکته شده‌ی بنیادهای مالی بین‌المللی که هم‌راه با فشارهای دول امپریالیستی بود را پیش ببرد. بنابراین تلاش رسانه‌های غربی برای اثبات بی‌گناهی خود در جنایاتی که توسط باندهای قدرت و سرمایه‌داران نوپا و مافیای قدرتمند روس انجام می‌گیرد، تلاش عوام‌فریبانه‌ای بیش نیست. شاید بتوان گفت آن‌چه در روسیه اتفاق می‌افتد، اجرای سیاست‌های سرمایه‌ی مالی بین‌المللی با روپوشی از ویژگی‌های روسی است.

بوژوازی نوپای روس و سیاستمداران حامی‌شان برای تعمیق این روند با برگ ناسیونالیسم روس بازی می‌کنند. بهره‌برداری گسترده ناسیونالیستی از جنگ چچن و معرفی آن به عنوان یک "جنگ میهنی" با این هدف صورت می‌گیرد که باندهای قدرت بتوانند راه خود را برای غارت روسیه هموار سازند. آن‌ها از این طریق با دامن زدن به ناسیونالیسم کور ممکن است موفقیت‌های کوتاه مدت بدست آورند و مثلاً جمهوری چچن را کنترل کنند. اما نتیجه اقدامات‌شان رشد نفرت گسترده‌ی ضدروسی در میان مردم غیراسلاو و به لحاظ مذهبی غیر ارتدوکس در جمهوری‌های روسیه خواهد بود که در صورت رشد تحول دمکراتیک در روسیه به انفجار جمهوری فدراتیو روسیه و جدائی بسیاری از جمهوری‌ها از این اتحاد اجباری منجر

## دنباله از صفحه ۱ اعتراض سراسری کارگری ..

**اولاً** - این حرکت، بعد از حرکت سراسری بزرگ کارگری در روز اول ماه مه امسال در اعتراض به طرح تغییر قانون کار، دومین حرکت بزرگ سراسری کارگری در کشور است. کارگران ما به این نکته حیاتی پی برده‌اند که بدون اتحاد سراسری طبقاتی قادر به دفاع از حقوق خود نخواهند بود. این دو حرکت بزرگ کارگری، اگرچه هنوز بطور مستقل سازمان نیافته و با استفاده از تضادهای درونی رژیم به پیش رفته، ولی بیان‌گر مرحله جدیدی در جنبش کارگری کشور است. مرحله‌ای که در آن، اتحاد طبقاتی طبقه کارگر ما شکل خواهد گرفت.

**ثانیاً** - این دو حرکت بزرگ سراسری کارگری، اگرچه به ابتکار نهادها و تشکل‌های کارگری وابسته به رژیم صورت گرفته ولی علیرغم خواست آن‌ها برای توقف این دو حرکت به پیش رفته‌اند. این امر از یک طرف گویای این حقیقت است که ابعاد نارضایتی در میان کارگران تا آن درجه گسترش یافته که چاره‌ای برای نهادها و تشکل‌های کارگری رژیم به جز همراهی با کارگران باقی نگذاشته است. معلوم است که هدف این تشکل‌های کارگری در این همراهی‌ها، همان‌طور که در اعلامیه‌های‌شان نیز اعتراف کرده‌اند، کنترل خشم و نارضایتی کارگران است. خشمی که بقول خود آن‌ها، دیگر "هیچ تضمینی برای کنترل آن وجود ندارد". و از طرف دیگر گویای این حقیقت نیز هست که، مهار جنبش کارگری، در شرایطی که رویارویی بزرگ طبقاتی کارگران با رژیم آغاز شده و در حال پا گرفتن است، به سادگی امکان‌پذیر نیست.

**ثالثاً** - اعتراض سراسری کارگران علیه سازمان تأمین اجتماعی، برای اولین بار بخش‌های مختلف کارگری در کشور، از **بقیه در صفحه ۴**

خواهد شد. به نظر می‌رسد بوژوازی روسیه از طریق نابودی روسیه قصد دارد خود را شکل دهد. پناه بردن به ناسیونالیسم کور روسی، برای نجات غارت‌گری‌های‌شان راه را برای بهره‌برداری سرمایه‌ جهانی از تلاشی روسیه هموار خواهد کرد و در تحلیل نهایی این سرمایه بین‌المللی خواهد بود که از این روند سود خواهد برد و ناسیونالیسم روس باید تاوان آن‌را بپردازد.

بر این پایه است که می‌توان کناره‌گیری بوریس یلتسین، انتخابات پارلمانی دسامبر ۹۹، انتخابات ریاست جمهوری در ژوئن ۲۰۰۰، مسئله جنگ چچن و یا سیاست‌های به ظاهر ضدغربی رئیس‌جمهور موقت روسیه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. روسیه دوران سختی را از سر می‌گذراند. سرمایه برای تثبیت خود دریایی از درد و رنج و خون بر ملت روسیه تحمیل می‌کند.

## کارگران و زحمت کشان

کارگران در مهم ترین حرکت اعتراضی خود در فروردین ماه گذشته، با تجمع و تظاهرات در خیابان های شهر و بستن جاده قائم شهر به ساری، خواهان رسیدگی به خواسته های خود شده بودند. اما با وجود توافقات به عمل آمده برای پرداخت ۸۰ درصد حقوق معوقه آنان توسط سازمان تأمین اجتماعی و ۲۰ درصد بقیه توسط بانک ملی که ۶۵ درصد سهام این کارخانه را در اختیار دارد، تاکنون هیچ گونه اقدامی در زمینه پرداخت حقوق معوقه کارگران صورت نگرفته است.

### اجتماع اعتراضی دانش جویان کشاورزی

جمعی از دانش جویان آموزشکده کشاورزی کرج، روز یکشنبه ۵ دی ماه ۷۸ (۲۶ دسامبر ۹۹)، با تجمع در مقابل وزارت کشاورزی نسبت به عدم استخدام فارغ التحصیلان این دانشکده اعتراض کردند. دانش جویان می گفتند، در حالی که از آنان تعهد گرفته شده بود که دو برابر مدت تحصیل کار کنند؛ از سال ۷۳ فارغ التحصیلان این دانشکده به حال خود رها شده و از استخدام آنان در بخش های مختلف کشاورزی خبری نیست. این تجمع اعتراضی پس از حضور وزیر کشاورزی در جمع دانش جویان و دادن قول مساعد برای رسیدگی به خواسته های آنان خاتمه یافت. گفتنی است پیش از این نیز، این دانش جویان در روز ۱۵ آذر ۷۸ در جاده ماه دشت کرج محل برگزاری گردهم آیی برنج کشور دست به اجتماع زده و خواستار حضور وزیر کشاورزی در جمع خود شده بودند.

### اعتراض کارگران خزرخز

کارگران کارخانه چرم سازی خزرخز در تنکابن، در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای معوقه ی خود، از تحویل دادن تولیدات این کارخانه به بازرگانان ایتالیایی جلوگیری کردند. به گزارش روزنامه ی انگلیسی زبان ایران دیلی مورخ ۲۴ آذر ۷۸، این کارخانه پس از آن که دو ماه قبل به دلیل مشکلات مدیریتی تعطیل شد با تاجران ایتالیایی قرارداد امضاء کرده بود. اما کارگران که از زمان تعطیلی کارخانه حقوق شان را دریافت نکرده اند، از خروج محصولات کارخانه جلوگیری کردند. لازم به ذکر است که پیش از تعطیلی این کارخانه نیز، ۷ ماه حقوق کارگران پرداخت نشده بود و کارگران در روز ۲۸ شهریور ۷۸، با تجمع در مقابل فرمانداری شهر خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه ی خود شده بودند. کارخانه خزرخز حدود ۵۰۰ کارگر دارد.

### اعتصاب کارگران بهمین پلاستیک

روز چهارشنبه ۲۴ آذر ۷۸ (۱۵ دسامبر ۹۹) کارگران شرکت بهمین پلاستیک تهران در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولان شرکت به مشکلات حقوقی و معیشتی خود، دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران هر چند با وعده ی مدیریت شرکت در مورد رسیدگی به مشکلات شان خاتمه یافته اما آنان اعلام کردند که در صورت عدم رسیدگی مسئولان، هم چنان به اعتراض خود ادامه خواهند داد.

### تجمع اعتراضی کارگران شرکت آب و فاضلاب تهران

روز دوشنبه ۱۵ آذر ۷۸ (۶ دسامبر ۹۹)، جمعی از کارگران تصفیه خانه های شماره ۳ و ۴ تهران پارس و کارخانه شیمیایی شرکت آب و فاضلاب استان تهران به همراه خانواده های خود، در مقابل این شرکت اجتماع کردند. این کارگران که ساکن خانه های سازمانی شرکت آب و فاضلاب در شهرک زمزم تهران پارس هستند، نسبت به دستورالعمل شرکت در مورد تخلیه ی واحدهای مسکونی خود اعتراض داشتند. به گفته ی این کارگران، در سال ۱۳۴۶ برای آن که تصفیه خانه آب تهران پارس به صورت دائمی در سرویس باشد و کارگران شاغل در این مرکز در اسرع وقت در محل کار خود حاضر باشند، خانه های سازمانی را در شهرک زمزم احداث کردند و کارگران را حتی به صورت اجباری در این خانه ها اسکان دادند و قول واگذاری این خانه ها را نیز به آنان داده بودند. اما در دوره مدیریت کنونی، برای کسانی که بیش از ۶ سال در این خانه های سازمانی بوده اند، حکم تخلیه صادر کرده اند. گفتنی است هم اکنون ۱۲۰ خانوار در این شهرک ساکن هستند که برای ۴۵ خانوار حکم تخلیه صادر شده است. هم چنین، شرکت آب و فاضلاب استان تهران وعده داده که در برابر تخلیه ی واحدهای مسکونی شهرک زمزم، به کارگران ساکن در این شهرک، در شهر ری واحد مسکونی واگذار می کند که این امر به دلیل دوری مسافت تا محل کار، با مخالفت کارگران روبرو شده است.

### گردهم آئی اعتراضی دانشجویان زنجان

بیش از یک هزار و پانصد نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی زنجان در روزهای یکشنبه پنجم و دوشنبه ششم دی ماه ۷۸ در اعتراض به «سیاست و برنامه های مدیریت جدید» در جلو دفتر ریاست این دانشگاه به یک گردهم آیی اعتراضی دست زدند. خواست های دانشجویان در این تجمع اعتراضی عبارت بود از: ایجاد زمینه مناسب برای تشکیل انجمن های مختلف صنفی و سیاسی دانشجویی، لغو طرح تفکیک دانشجویان دختر و پسر و اصلاح ترکیب کمیته انضباطی دانشجویان.

### تحصن و راهپیمایی اعتراضی کارگران نساجی قائم شهر

روز شنبه ۴ دی ۷۸ (۲۵ دسامبر ۹۹)، صدها نفر از کارگران کارخانه نساجی طبرستان قائم شهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه ی سال جاری، پس از تحصن در مقابل در ورودی کارخانه و طرح خواسته های خود مبنی بر پرداخت کامل حقوق و مزایای معوقه، اقدام به تظاهرات کردند. گفتنی است نساجی قائم شهر از جمله کارخانه های نساجی در ایران است که با شدت گرفتن بحران اقتصادی در کشور، با توقف کامل تولید مواجه شده و بیش از ۲۰۰۰ کارگر آن بی کار شده اند. و این چندمین اقدام اعتراض آمیز کارگران در سال جاری است که هر بار با وعده های مقامات محلی خاتمه می یابد. پیش از این،

بازنشستگان و مستمری بگیران گرفته تا کارگران شاغل و کارگران قراردادی و فصلی، را در کنار هم قرار داده و متحد کرده است. سه خواست اصلی این حرکت عبارت بودند از: افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی متناسب با تورم واقعی؛ اعتراض به محرومیت کارگران قراردادی و فصلی از دریافت مقرری بیمه بیکاری؛ و اعتراض به کاهش خدمات دارویی و بهداشتی از جانب سازمان تأمین اجتماعی. کارگران در شرایط کنونی با این تجربه که مبارزات پراکنده آن ها برای خواست های جزئی حتی در شکل تظاهرات و مبارزات خیابانی فراتر از کارخانه به نتیجه ای نمی رسند، با طرح خواست هایی که بخش های مختلف کارگری را در یک اعتراض سراسری بهم پیوند بدهد، برای رویارویی سراسری طبقاتی آماده می شوند.

**رایعاً** شعارهای دروغین دولت خاتمی مبنی بر توسعه سیاسی، دموکراسی و جامعه مدنی، حتی در برابر تشکلهای کارگری وابسته به رژیم نیز رنگ می یازد. شعارهایی که هدف آن ها نجات رژیم از بحران و ورشکستگی اقتصادی است و تنها با این هدف عنوان می شود که رضایت سرمایه داران خارجی و داخلی را برای سرمایه گذاری و به اصطلاح نجات کشور از ورشکستگی اقتصادی جلب کند. در جایی که تظاهرات مسالمت آمیز حتی تشکلهای کارگری وابسته به رژیم، یعنی تنها تشکلهای قانونی کارگر نیز تحمل نمی شود، چه جایی برای ادعاهای دروغین رژیم مبنی بر توسعه سیاسی و دموکراسی خواهند ماند.

**خامساً** اعتراض سراسری کارگری به عملکرد سازمان تأمین اجتماعی، درست در برابر تبلیغاتی از جانب سران رژیم اسلامی صورت می گیرد که طی آن ادعا می کنند که ۲۶ میلیون نفر از جمعیت این کشور را تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار داده و قصد دارند آن را همه گیر و جامع کنند. اما این حرکت اعتراضی نشان داد که نه تنها این تبلیغات رژیم دروغی بیش نیست بلکه قصد آن ها از بین بردن هر چه بیشتر همین به اصطلاح تأمین های اجتماعی ناچیز موجود است. برنامه دولت خاتمی همان طور که برنامه سوم توسعه روشن کرد، همانند برنامه دولت رفسنجانی بر اساس اجرای سیاست ها و برنامه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مبنی بر "تعدیل ساختاری" تنظیم شده که بنیان آن ها کاهش و محدود کردن حقوق کارگری و از جمله تأمین های اجتماعی است. روشن است که این سیاست ها در شرایطی که کارگران دیگر قادر به تحمل وضعیت موجود نیستند، به سادگی ممکن نیست. بخصوص در شرایطی که کارگران خود را برای رویارویی بزرگ طبقاتی و با توسل به اتحاد طبقاتی شان آماده می سازند. شرایطی که کارگران تلاش می کنند از زیر چتر اقدامات نهادهای کارگری وابسته به رژیم خارج شده و با ایجاد تشکلهای مستقل خود ابزاری برای اقدامات مستقل خود بیابند و سنگرهای رزم خود را مستحکم سازند.